

توانش‌های دین در عرصه علوم انسانی

ابوالفضل ساجدی

دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

چکیده

دین چه توانایی‌هایی درباره علوم انسانی دارد و چه خدماتی می‌تواند برای این علوم عرضه کند. منظور از دین در این نوشتار اسلام است. پاسخ به این پرسش کلیدی گامی مهم در روند اسلامی‌سازی علوم انسانی در کشور تلقی می‌شود که امروزه اندیشمندان توجه ویژه‌ای به آن دارند. تأثیرات دین بر علوم انسانی را می‌توان به سه نوع معرفتی، گرایشی و تمدن‌ساز تقسیم کرد. دین در بخش معرفتی آثار تأسیسی، تهذیبی و تکمیلی در پی دارد. نقد مبانی علوم انسانی و نقد نظریات مستخرج از مبانی غیرصحيح در هریک از این علوم، نمونه‌هایی از اثر تهذیبی ورود دین به این عرصه است. ارائه مبانی تأسیسی و تکمیلی برای علوم انسانی و ارائه مسائل و نظریات مستخرج از این مبانی، از جمله آثار

تأسیسی و تکمیلی پیوند دین و علوم انسانی است. در بعد گرایشی، دین آثاری چون تقویت انگیزه کسب علم، پالایش انگیزه تولید علم و بهره‌برداری از آن، و جلوگیری از آفات عقل‌گرایی و علم‌زدگی را در پی دارد. در ساحت تمدن‌سازی، دین به صیانت فرد و جامعه از توابع منفی آثار تمدنی علوم انسانی غربی می‌انجامد.

کلیدواژه: علوم انسانی، اسلامی سازی علوم، علم دینی، تمدن سازی، تهذیب علوم انسانی، تکمیل علوم انسانی، نقش گرایشی دین در علم.

مقدمه

سالیانی است که از رابطه دین و علوم انسانی در محافل علمی و رسانه سخن به میان می‌آید اما مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که روند اسلامی‌سازی این علوم کاستی‌های فراوانی دارد که دست‌کم به سه بخش ساختارهای آموزشی و پژوهشی، نیروی انسانی و تولیدات علمی قابل تقسیم است.^۱ این مقاله در مقام رفع برخی کاستی‌ها در بخش سوم، به دنبال کشف توانایی‌های دین و به‌طور خاص، اسلام در تعامل با علوم انسانی است. در این زمینه تحقیقات لازم صورت نگرفته است. بیشترین چیزی که در این مورد می‌توان یافت - البته آن هم اندک است - نقدهای متفرق از مبانی فلسفی علوم انسانی است. نوشتار حاضر برای نیل به این هدف پس از مفهوم‌شناسی اصطلاحات کلیدی، توانش‌های دین در سه عرصه معرفتی، گرایشی و تمدن‌ساز را محور بحث قرار می‌دهد.

در میان ابعاد بحث‌شده، تکیه بیشتر مقاله حاضر بر بعد تأثیرات گرایشی و تمدن‌ساز دین است، چراکه این ساحت‌ها، تحقیقات کمتری را به خود اختصاص داده است. بدین جهت نگاهی گذرا به بخش معرفتی خواهیم داشت.

۱. برای آشنایی با انواع آسیب‌ها در روند اسلامی‌سازی علوم انسانی ر.ک.: ابوالفضل ساجدی، «اسلامی سازی علوم انسانی؛ آسیب شناسی»، معرفت، ش ۱۶۷، آبان ۱۳۹۰، ص ۷۱ - ۶۱.

مفهوم شناسی

در آغاز سخن باید تعریفی اجمالی از علم، علوم انسانی و دین ارائه شود.

الف- علم

علم یا دانش کاربردهای متعددی دارد که از جمله می‌توان به مطلق آگاهی در برابر مطلق جهل و نادانی، آگاهی مطابق واقع، که گاه از آن به یقین تعبیر می‌شود، در برابر احتمال، شک، ظن و اطمینان، ادراک ذهنی در برابر ادراک قلبی و شهودی، دانشی منسجم از مجموعه قضایا در برابر مطلق فهم و آگاهی غیرمنسجم و پراکنده اشاره کرد (ر.ک.: مصباح، ۱۳۶۸: ص ۶۴؛ همو، ۱۳۹۲، ۴۳-۷۶؛ گلستانی، ۱۳۷۰: ص ۴۱-۴۰). علم در فرهنگ قرآن و حدیث کاربردهای دیگری نیز مانند نور دارد که مؤمن را به تقوا، فضیلت، رستگاری و خشوع در برابر پروردگار عالم سوق می‌دهد. چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید:

«الْعِلْمُ نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ» (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ ق: ۱۶؛ نیز ر.ک.: طباطبایی، ۱۴۰۷ ق: ج ۷، ص ۳۳۹-۳۳۸).

«علم نوری است که خداوند در قلب هر کس که بخواهد، می‌تاباند».

در یکی از معانی اصطلاحی علم که معادل «science» به کار می‌رود، عبارت از دانشی تنظیم‌یافته از مجموعه گزاره‌ها است که به‌ویژه از طریق مشاهده و آزمون حقایق درباره جهان فیزیکی و قوانین طبیعی و جامعه به‌دست آمده باشد. علم بدین معنا علوم طبیعی مانند زیست‌شناسی، فیزیک، شیمی، زمین‌شناسی و ستاره‌شناسی، و علوم انسانی، مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، حقوق و تاریخ را دربرمی‌گیرد؛ بدین ترتیب، نظریه‌های علمی به‌شیوه‌ای دقیق از یافته‌های تجربی اخذ می‌شوند که با مشاهده و آزمایش به‌دست آمده‌اند (ر.ک.: چالمرز، ۱۳۷۴: ص ۹؛ گلشنی، ۱۳۸۵: ص ۵۱؛ دیکشنری اکسفورد) در بحث رابطه علم و دین، علم معادل «science» بیشتر محور گفت‌وگوها است. برای عدم محدودسازی علم به مصادیق تجربی بهتر است آن را چنین تعریف کنیم

که علم دانشی تنظیم‌یافته از مجموعه گزاره‌ها است که به تبیین مسائلی حول یک محور و تلاش برای حل این مسائل به هدف کشف یا نزدیک‌شدن به واقع و نیل به اثرات کاربردی آن می‌پردازد.

ب- علوم انسانی

در باب علوم انسانی تعاریف متعددی بیان شده است:

۱. **موضوع محور:** برخی از اندیشمندان مانند فیلیسین شاله موضوع را محور تعریف خود قرار داده‌اند. وی این دسته از دانش را علمی می‌داند که انسان را از لحاظ حیات درونی و ارتباطش با دیگران بررسی می‌کند (شاله، ۱۳۵۷: ص ۱۷۴). ژولین فروند نیز در همین راستا علوم انسانی را مجموعه معارفی می‌داند که موضوع تحقیق آنها، فعالیت‌های مختلف بشر در ارتباط با یکدیگر و با اشیا و پیامدها و نهادهای ناشی از این روابط است (فروند، ۱۳۷۲: ص ۳). دکتر غلامرضا اعوانی نیز آنها را علمی می‌داند که موضوع آن تمامی وجود انسان است و فقط به جسم آدمی چشم نمی‌دوزد. هریک از علوم انسانی، انسان را از زاویه خاصی بررسی می‌کند، برای مثال جامعه‌شناسی درباره رفتار اجتماعی انسان تحقیق می‌کند (اعوانی، ۱۳۸۸: ص ۳۱). آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی نیز تعریف موضوع محور ارائه می‌دهد و می‌گوید:

«اینها علمی هستند که متعلق این علوم با فکر و اندیشه انسان ارتباط دارد. متعلق علوم انسانی اندیشه انسان است. در برابر این دانش‌ها، علوم طبیعی هستند که با اندیشه انسان سروکار ندارند یعنی متعلقشان صرف نظر از بود و نبود انسان، وجود دارد (دبیرخانه همایش...، ۱۳۸۹: ص ۲۰-۲۱).

۲. **روش محور:** برخی مانند جان استوارت میل، تعریف روش محور ارائه داده‌اند. میل مبنای وحدت علم را وحدت روش شناختی تعقل یا استدلال علمی می‌داند. بر این اساس، وی علوم انسانی را علوم استنتاجی می‌داند که از روی استقرایی که قبلاً حاصل شده‌اند قضایای جدیدی را استنباط می‌کنند (همو: ص ۶۴-۶۲).

۳. **غایت محور:** عده‌ای علوم انسانی را براساس هدف تعریف کرده و آنها را دانشی معرفی کرده‌اند که هدفشان ارائه پیش‌بینی‌های تجربه‌پذیر درباره رفتارهای انسان است (سروش، ۱۳۷۳: ص ۲۴-۲۵).

۴. برخی نیز هر دو عنصر موضوع و روش را در تعریف لحاظ کرده و گفته‌اند:

«علوم انسانی علمی هستند که رفتارهای جمعی و فردی و ارادی و غیرارادی و آگاهانه و

ناآگاهانه انسان را به قالب نظم‌های تجربه‌پذیر می‌ریزند» (سروش، ۱۳۷۳: ص ۲۴).

این تعریف، موضوع علوم انسانی را رفتارهای مختلف انسان و روش آن را روش تجربی دانسته است. دکتر عبدالکریم سروش تعریف سوم و چهارم را ممکن دانسته اما تعریف سوم را نسبتاً جامع تلقی کرده است. (همو، ۱۳۷۳: ص ۲۵).

به نظر می‌رسد بهتر است تعریف برگزیده را چنین بیان کنیم: «علوم انسانی علمی هستند که انسان و ابعاد وجودی (بینش، گرایش و کنش فردی و اجتماعی) او را از آن نظر که انسانی‌اند، بررسی می‌کنند تا با توصیف و تحلیل هریک از ساحت‌های وجودی او با روش‌های مختلف (عقلی، نقلی و تجربی) راهکارهای تغییر و اصلاح آنها را کشف کنند. وجه ترجیح این تعریف جامعیت آن در بیان موضوع، روش و غایت است». اگر روش تحقیق به روش تجربی محدود شود، این تعریف بر علوم انسانی موجود غربی هم قابل تطبیق است. بدین ترتیب، موضوع علوم انسانی برخلاف علوم طبیعی، «هست»‌های (کنش‌های انسانی) است که پیوند وثیقی با اراده و آگاهی انسانی دارند. موضوع بحث در این نوشتار، علوم انسانی موجود و محقق است که به تهذیب، تأسیس و تکمیل نیاز دارد.

ج- دین

در تعریف دین نگرش‌های مختلفی مطرح است. متفکران مغرب‌زمین تعاریف فراوانی را ارائه داده‌اند که می‌توان آنها را در سه دسته جای داد: ۱. تعاریفی با محوریت خدا، حقیقت یا ارزش غایی؛ ۲. تعاریف کارکردی؛ ۳. تعاریف شهودگرایانه. متکلمان به تعریف

اول و برخی به تعریف سوم، و جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به تعریف دوم روی آورده‌اند. اندیشمندان اسلامی به‌ویژه متکلمان به تعریف اول نزدیک هستند. آنها غالباً دین را به‌نوعی اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و دستورات عملی متناسب با آن تعریف کرده‌اند (برای اطلاعات بیشتر ر.ک.: ساجدی، ۱۳۸۴: ص ۵۶-۶۹؛ پترسون و دیگران، ۱۳۷۶: ص ۱۸-۲۰؛ هیوم، ۱۳۷۴: ص ۲۳؛ طباطبایی، ۱۳۴۶: ص ۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۲۸، جوادی آملی، ۱۳۷۳: ص ۹۳ و ۹۵).

بنابر تعریف موردنظر در این بحث، دین مجموعه‌ی گزاره‌هایی اخباری ناظر به هست‌ها، و انشایی ناظر به باید‌ها و نباید‌ها در مسیر هدایت و کمال بشری است. گزاره‌های اخباری آن شامل خدانشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، راه‌شناسی، راهنماشناسی و فرجام‌شناسی است که اصول اعتقادات را دربرمی‌گیرد. گزاره‌های انشایی آن شامل باید‌ها و نباید‌های اخلاقی، حقوقی و فقهی است که فروع اخلاق و احکام را شامل می‌شود. غایت دین فعلیت‌بخشی به توانش‌های انسان در مسیر کمال و سعادت است. کمال و سعادت انسان براساس رفتارهای فردی و اجتماعی وی در این جهان حاصل می‌شود؛ رفتارهایی که به انتخاب خود انجام می‌دهد.

بنابراین، تحقق اهداف دین در گرو سامان‌دادن به نوع روابط انسان در این جهان است. این روابط را در پنج سطح، رابطه‌ی آدمی با خدا، با خود، با دیگران، با حکومت و با طبیعت می‌توان طبقه‌بندی کرد. دین حاوی آموزه‌های بسیاری راجع به این پنج نوع رابطه است. در علوم انسانی هم سخن از سه نوع این روابط است. علوم انسانی موجود به‌طور عمده درباره‌ی رابطه‌ی انسان با خود، دیگران و حکومت بحث می‌کند و در مقام سامان‌دادن به این روابط است. این وضعیت نشانگر ارتباط آموزه‌های دینی با آموزه‌های علوم انسانی است. در بحث رابطه‌ی انسان با خود و دیگران، بین دین و علوم انسانی اشتراک موضوع مشاهده می‌شود. به‌دلیل این ارتباط، ممکن است در مواردی آموزه‌های دینی با علوم انسانی تعارض پیدا کنند. در بحث رابطه‌ی انسان با خدا و تأثیر اعتقادات دینی در زندگی فردی و اجتماعی نیز مباحثی در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به‌نحو سلبی یا ایجابی طرح می‌شود

اما کمابیش با آموزه‌های اسلامی فاصله دارد.

تأثیرات دین بر علوم انسانی را می‌توان به سه نوع معرفتی، گرایشی و تمدن‌ساز تقسیم کرد. بر این اساس، مباحث اصلی مقاله در سه بخش زیر می‌آید.

۱. نقش معرفتی

مهم‌ترین نقش معرفتی دین در علوم انسانی موجود در ساحت مبانی است که ثمره آن در ساحت نظریات و روش‌ها نیز ظاهر می‌شود. دین با ورود به عرصه علوم انسانی غربی از یک سو، زمینه نقد مبانی این علوم را فراهم می‌کند؛ از سوی دیگر، دین مبانی جایگزینی در هریک از این عرصه‌ها در اختیار علوم انسانی قرار می‌دهد. شایان ذکر است که مبانی دینی علوم انسانی، مبانی عقلی و فلسفی نیز قلمداد می‌شوند زیرا دعاوی بنیادین دین مبنای عقلی دارد. تدوین مبانی علوم انسانی اولین گام برای اسلامی‌سازی علوم انسانی است. مبانی بخشی از علوم انسانی اسلامی نیست، بلکه همچون سایر مبانی، اموری است که خارج از آن علم بحث می‌شود. توجه به مبانی دینی آثار تهذیبی، تأسیسی و تکمیلی فراوانی را برای این علوم در پی دارد.

۱-۱. گام تهذیبی

در باب گام تهذیبی می‌توان گفت در سایه توجه به دین و فلسفه اسلامی دو نوع نقد به علوم انسانی حاصل می‌شود:

نخست، نقد مبانی علوم مختلف انسانی مانند مبانی معرفت‌شناختی (تکیه بر عقل خودبنیاد، تجربه بیرونی و باطنی به عنوان منابع معرفت و نفی منابع وحیانی)، خداشناختی (نفی وجود خدا)، جهان‌شناختی (محدودسازی به جهان دنیوی، مادی یا فیزیکی)، انسان‌شناختی (نگاه مادی و یک‌سویه انسان) و ارزش‌شناختی؛

دوم، نقد نظریات مستخرج از مبانی غیر صحیح در هریک از علوم انسانی: در این باب می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

رویکردهای روان‌شناختی در روان‌شناسی به مسائل مختلف از جمله به شخصیت، رشد،

سلامت روان، نابهنجاری رفتاری و روانی با توجه به مکاتب مختلف روان‌شناسی مانند مکتب رفتارگرایی، روان‌تحلیلی، و انسان‌گرایی متفاوت است. هریک از این رویکردها در باب مسائل یادشده نظریاتی را عرضه می‌کنند که در پاره‌ای موارد، مبانی آن قابل نقد است. در نتیجه، نظریات مبتنی بر آن مبانی نیز قابل قبول نخواهد بود.

در جامعه‌شناسی نیز نمونه‌هایی از نظریات مبتنی بر مبانی غیر صحیح مشاهده می‌شود. برای مثال نگاه جامعه‌شناسی غرب به مقوله دین و فرهنگ و رابطه این دو در اسلام مورد نقد مبنایی است. اگوست کنت ۱۸۵۷-۱۷۹۸ فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی است که پدر جامعه‌شناسی غرب تلقی می‌شود. کنت تنها محسوسات تجربی را ارزشمند و علمی می‌دانست و خود را پیامبر دین انسانیت تلقی می‌کرد. وی ریشه گرایش به دین را جهل و ضعف عقلانی بشر نخستین می‌دانست. سخنان وی منبع پذیرفته‌شده جمع کثیری از اندیشمندان دیگر علوم انسانی غرب است. پاسخ کنت را می‌توان با نگاهی به محدودیت‌های عقل و تجربه در عرصه هدایت بشر دریافت. توجه به توانش‌های منابع معرفتی بشر نباید ما را از فهم کاستی‌های آنها بازدارد (برای آشنایی با این محدودیت‌ها ر.ک.: ساجدی، ۱۳۸۷: ص ۶۷-۴۱).

یکی از مصادیق چالش‌های مبنایی دین و علوم انسانی در مباحث حقوقی است. نظریه حقوق بشر غربی بر عقل‌گرایی افراطی (راسیونالیسم)، انسان‌گرایی (اومانیزم)، و خویش‌نمالکی^۱ لیبرالیستی تکیه دارد. عقل‌گرایی افراطی نیاز به هرگونه معرفتی غیربشری را نفی می‌کند. در نتیجه، نیاز به وحی در هرگونه قانونگذاری انکار می‌شود. اومانیزم نیز انسان‌گرایی در عرض خداگرایی است و هر سطح از دخالت‌دادن خداوند در هدایت بشری و مدیریت وی را برای انسان مضر تلقی می‌کند.

بر اساس خویش‌نمالکی لیبرالیستی نیز «زندگی هر فرد، دارایی خود او است و به خداوند، جامعه یا دولت تعلق ندارد و می‌تواند با آن هرطور که مایل است، رفتار کند» (بلاستر، ۱۳۷۷: ص ۳۸). به باور هابز هیچ‌کس حق محدود کردن آزادی انسان را ندارد.

1. Self-Possession

نظریه حقوق بشر غربی با تکیه بر این سه اصل تأکید دارد که این حقوق با شخص انسان آغاز و با وی به پایان می‌رسد و منشأ اعتباری فراتر از انسان برای حقوق بشر وجود ندارد. انسان از آن جهت که انسان است این حقوق را دارد و خداوند نمی‌تواند در این حقوق هیچ‌گونه دخالتی داشته باشد.

۲-۱. گام تأسیسی و تکمیلی

در باب این دو گام ایجابی می‌توان گفت در سایه توجه به دین دو نوع ثمره حاصل می‌شود:

نخست، ارائه مبانی جایگزین و تکمیلی برای علوم انسانی مانند مبانی معرفت‌شناختی (در کنار تکیه به عقل و تجربه، توجه به نقش مکمل وحی به عنوان منبع معرفت)، خداشناختی (پذیرش وجود خداوند خالق، عالم، قادر و...)، جهان‌شناختی (پذیرش عالم فیزیک و متافیزیک، رابطه آنها و پیوند دنیا و آخرت)، انسان‌شناختی (نگاه جامع به ابعاد مادی و معنوی انسان) و ارزش‌شناختی؛

دوم، ارائه مسائل و نظریات مستخرج از مبانی ذکرشده:

تبيين پیوند میان مبانی با مؤلفه‌های درونی هریک از علوم انسانی گامی ضروری و طی نشده است. برای مثال پذیرش جهان‌بینی توحیدی می‌تواند در رشته‌های مختلف علوم انسانی نظریات و مسائل تازه‌ای را فراروی اندیشمندان قرار دهد. اگر منابع معرفت به عقل ابزاری و تجربه محدود نشود و انواع معارف درجه‌بندی و ارزش‌گذاری شود، درجات معرفت می‌تواند مسائل تازه‌ای را برای علوم انسانی مطرح کند. به‌علاوه، امروزه دایره علوم انسانی بسیار گسترش یافته و به صدها رشته تقسیم شده است. توسعه منابع معرفتی در هریک از این رشته‌ها می‌تواند افق‌های تازه‌ای فراروی بشریت بگشاید.

برای مثال در روان‌شناسی نگاه اسلام در باب سلامت و بهداشت روان، روان‌شناسی کمال، رشد، شخصیت، یادگیری و رفتار بهنجار، نابهنجار و آسیب‌های روانی نظریات تازه‌ای را عرضه می‌کند. در جامعه‌شناسی اسلامی، دین نه تنها یک نهاد است که از جهتی

در عرض سایر نهادها مانند خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه، سیاست و اقتصاد است، بلکه از جهت مهم‌تری در طول آنها نیز می‌تواند قرار گیرد و نقش کلیدی آن برجسته‌کردن جایگاه طولی آن است. در حقوق، نه تنها حق خدا نادیده گرفته نمی‌شود، بلکه خداوند جایگاه ویژه‌ای به‌عنوان منشأ حق دارد. جایگاه واقعی حق و تکلیف، در رابطه انسان با خدا مطرح می‌شود، بقیه حقوق فردی و اجتماعی در سایه حقوق الهی معنا پیدا می‌کند و در طول آن است.

بدین ترتیب، ثمره دخالت دین در ساحت مبانی علوم انسانی، توسعه و تضييق نظريات و مسائل آن علوم است و آنچه از نظريات علوم انسانی مولود مبانی ضد دینی است پالایش می‌شود. در نقطه مقابل، تدوین مبانی دینی علوم انسانی گامی مقدماتی است که می‌تواند از دل آنها مسائل و نظريات تازه‌ای در هریک از رشته‌های علوم انسانی استخراج شود و دریچه‌های تازه‌ای از معرفت به‌روی آدمیان بگشاید و به توسعه علوم انسانی منجر شود.

مطالبی که به‌عنوان مبانی و مسائل و نظريات جدید از سوی اسلام مطرح می‌شود از جهتی تأسیسی و از جهتی تکمیل تلقی می‌شود. این مبانی و نظريات، نسبت به مبانی و مسائل موجود در هریک از علوم انسانی، تأسیسی است، یعنی مبانی و نظريات تازه‌ای را در عرض نظريات موجود ارائه می‌دهد اما نسبت به خود علوم انسانی تکمیلی است. برای مثال، دین، تکمیل‌کننده کاستی‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی موجود است.

دین هم علوم انسانی را از آسیب‌ها تهذیب می‌کند و هم با گسترش دایره معرفت از طریق تکیه به وحی، علوم انسانی را ارتقا می‌بخشد و تکمیل می‌کند. دین نیامده است تا داده‌های عقل و تجربه را به‌طور کلی نفی کند، بلکه آمده تا کاستی‌های آنها را برطرف کند. تهذیب علوم انسانی به معنای حذف و کنارزدن کلی علوم انسانی نیست، بلکه به معنای پاک‌سازی آن از مبانی مادی‌گرایانه و مسائل متفرع بر آنها است.

۱-۳. حل مشکلات علمی:

دین سبب پیوند انسان با خدا است و این پیوند می‌تواند حلال مشکلات علمی و منشأ برکات معرفتی در مسیر علوم انسانی باشد. از آنجاکه خداوند منبع تمامی علوم است و

بلکه علم حقیقی فقط نزد خدا است.^۱ اگر او اراده کند و ما را لایق ببیند، می‌تواند در مسیر رشد علمی نیز برکاتی را بر ما نازل کند. البته نباید فراموش کنیم در این جهان مادی خداوند چنین اراده کرده است که هرکس هرچند در امور مادی تلاش کند، بهره آن را ببرد؛ اما او به اهل تقوی و عده عنایت افزون داده است.

بنابراین، می‌توان گفت که توصیه‌های عبادی دین مهم‌ترین راه‌های پیوند انسان به منبع تمامی علوم را به ما نشان می‌دهد. به گفته قرآن همه علوم و فنون را خدا به صورت مستقیم و غیرمستقیم آموزش می‌دهد.^۲ البته شایان ذکر است که مفهوم علم در قرآن و روایات با مفهوم آن در علوم انسانی تفاوت‌هایی نیز دارد. «علم» در قرآن و روایات هر دو نوع حضوری و حصولی را دربرمی‌گیرد و در برابر جهل قرار دارد اما علوم انسانی فقط ناظر به نوع حصولی است و گاه با جهل نیز قابل جمع است.

طبق وعده الهی، از راه این پیوند می‌توانیم مشمول برکات ویژه، هدایت، حل مشکلات حتی در علوم مادی هم بشویم. این‌گونه است که عبادت بر رشد ارزش‌های علمی، توسعه مرزهای دانش و پرورش روحیه ابداع، خلاقیت و نوآوری تأثیر می‌گذارد.

به علاوه، دین از طریق توصیه به عبادت، درخت اخلاص را در آدمی بارور می‌کند، حتی برخی از روایات عبادت را مساوی اصلاح انگیزه تلقی کرده است.^۳ نمونه‌ای از تمرین اخلاص در نماز قابل مشاهده است. در سراسر نماز قصد قربت باید حفظ شود. اگر یک حرکت یا ذکر را برای غیرخدا انجام دهید، نماز باطل می‌شود؛ بدین‌روی، یکی از برکات نماز تمرین اخلاص است. تقید به عبادت و پیوندزدن آنها با زندگی، اخلاص و رنگ الهی به حیات انسان می‌بخشد. از طرف دیگر، استمرار در اخلاص، ابواب حکمت الهی را به روی انسان می‌گشاید.^۴ بی‌تردید گشایش در ریچه معرفت الهی بر آدمیان می‌تواند

۱. «إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ» الملك: ۲۶ و الأحقاف: ۲۳.

۲. ر.ک.: بقره: ۳۱ و ۲۳۹ و ۲۸۲؛ نساء: ۱۱۳؛ مائده: ۴؛ یونس: ۵؛ یوسف: ۶ و ۳۷ و ۱۰۱؛ نحل: ۷۸؛ انبیاء: ۷۹ و ۸۰.

۳. عیسی بن عبدالله به امام صادق(ع) عرض کرد: «جعلت فداک ما العبادۃ؟ قال حسن النیة بالطاعة من الوجوه التي يطاع الله منها...»: «فدایت شوم عبادت چیست؟ حضرت فرمودند: نیت پاک و خالص در اعمالی که اطاعت خداوند در آنها است» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۸۴).

۴. عن رسول الله(ص): «من أخلص لله أربعين صباحاً جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه»: «کسی که چهل صبح

در حل مشکلات علمی وی نیز اثرگذار باشد.

علاوه بر نقش اخلاص در گره‌گشایی علمی، توسل نیز جایگاه ویژه‌ای در این مسیر دارد. در احوال بوعلی سینا آمده است که هرگاه مشکلی علمی برای ایشان پیش می‌آمد که از حل آن درمانده می‌شد، وضو می‌گرفت، قصد مسجد جامع شهر را می‌کرد، در آنجا دو رکعت نماز می‌گذارد و از خداوند می‌خواست که به برکت نماز، او را یاری کرده، گره از معضل علمی او بگشاید.

ابوعلی سینا در زندگی‌نامه خود می‌نویسد:

«من شاگرد نمازم، زیرا هر وقت مشکل عملی برای من پیش می‌آمد وضو می‌گرفتم و به جامع شهر (مسجد جامع) می‌رفتم و در آنجا دو رکعت نماز می‌خواندم و حل مشکلم را از خدا می‌خواستم و حل می‌شد!» (خوانساری، ۱۳۹۲ق: ج ۳، ص ۱۶۰).

فیلسوف شهیر، ملاصدرا، مدتی از عمر خود را در روستای کَهک (در اطراف قم) به سر برد و به تفکرات عمیق پرداخت. او هرگاه در مطالب علمی با مشکلات پیچیده مواجه می‌شد و در حل آن به بن‌بست می‌رسید، به شهر قم به حرم حضرت معصومه (س) مشرف می‌شد، آن حضرت را زیارت می‌کرد و با دعا و نماز و زیارت، حل مشکل خویش را از خداوند درخواست می‌کرد و از آن حرم بر این حکیم، افاضه فیض می‌شد (قمی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۶۱۸).

در باب حالات شهید صدر که در فقه و اصول و معارف اسلامی گام‌های بلند و کم‌نظیری برداشته، آمده است که وی بسیار اهل عبادت و توسل بود. وی مدتی بود که هر روز یک‌ساعت به حرم امیرالمؤمنین (ع) مشرف می‌شد و در آنجا به تفکر در امور علمی و مبانی خویش می‌پرداخت و از این روش بهره‌ها می‌برد. بعد از اینکه مدتی این عادت را ترک کرد یکی از زنان صالحه خانواده شهید صدر حضرت امیر (ع) را در خواب دید که به او سخنی با این مضمون گفت: به سید محمد باقر بگو چرا درسی را که نزد ما می‌آموختی ترک کردی؟ (حائری، بی‌تا: ص ۳۵).

کارهای خود را برای خدا انجام دهد، چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می‌شود (پاینده، بی‌تا: ص ۷۳۸).

د- رعایت اولویت‌ها در تحصیل

ارزش‌های دینی می‌تواند در گزینش رشته علمی، کنار نهادن برخی رشته‌ها یا اولویت دادن به برخی مؤثر باشد و مسیر کسب معرفت را جهت‌دهی کند. این نقش می‌تواند در کسب دانش در رشته طبیعی یا انسان مشاهده شود. برای مثال تولید دخانیات، مواد مخدر، مشروبات الکلی، سلاح‌های شیمیایی، کشتار جمعی و بمب اتم ولو بهره‌های وافر اقتصادی داشته باشد ممنوع یا بسیار محدود است. همان‌گونه که کسب دانش سحر و جادو جز برای خنثی‌سازی و باطل کردن سحر دیگران مجاز نیست. تولید و گسترش این دانش‌ها به ضرر جوامع انسانی است یا به کشتار بی‌گناهان می‌انجامد.

برخی از دانش‌ها هم گرچه به‌خودی‌خود مجاز هستند، اگر فرایند کسب آنها به خطرات مهم اخلاقی، ارزشی و زیرپانهادن باورهای دینی منجر شود، ممنوع است. همان‌گونه که اگر کسب دانش خطر قطعی جانی به دنبال داشته باشد، عقلاً مجاز نیست. اسلام خطرات قطعی اخلاقی و ارزشی اسلامی را نیز به خطرات جانی ملحق کرده و آنها را ممنوع می‌کند. بر همین اساس، جوان مؤمن، از تحصیل در برخی کشورها یا برخی رشته‌ها که برای خود یا خانواده‌اش سبب فساد اخلاقی، تزلزل باورهای دینی، ارتکاب محرمات یا تقویت دشمنان اسلام می‌شود، اجتناب می‌کند. ایمان دینی سبب می‌شود که دانشجوی مؤمن در صورتی محیط کفر را برای تحصیل برگزیند که به توان حفظ ایمان خود در آن محیط اطمینان داشته باشد. البته یکی از ثمرات دین و عمل به آموزه‌های آن، بالابردن سطح ایمان و اراده و توان عمل به آموزه‌های دینی حتی در محیط کفر است.

همان‌گونه که کسب برخی دانش‌ها ممنوع است، برخی دانش‌های مجاز نیز در سایه دین اولویت پیدا می‌کنند و آن دانش‌هایی است که جامعه بیشتر به آن نیازمند است و نیروی کافی برای آن ندارد. برای مثال اگر انسان مسلمان به جایگاه برتر علوم انسانی نسبت به علوم طبیعی پی برد، به دلیل ایمان دینی تلاش در این رشته را تا زمان رفع نیاز جامعه اسلامی، بر سایر امور ترجیح می‌دهد. دین کمک می‌کند تا در انجام مسؤولیت‌ها

وظایف برتر را در اولویت قرار بدهیم و همین امر به رشد علوم انسانی مدد می‌رساند. بدین ترتیب، درجه ارزشی که دین به نوع دانش و معرفت می‌دهد در انتخاب آن رشته تأثیرگذار است. در منابع اسلامی انواع معارف بشری درجه‌بندی شده و برخی بر دیگری ترجیح یافته است.

۱. نقش گرایشی

دین علاوه بر نقش معرفتی می‌تواند تأثیر گرایشی و انگیزشی نیز در علوم انسانی برجای نهد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. البته غالباً نقش گرایشی دین، مستقیماً متوجه عالم و اندیشمند است و از طریق آن در توسعه و تضييق علوم انسانی اثرگذار است؛ به عبارت دیگر، دین به انحای گوناگونی محققان را به سمت نقد و تکمیل نظرات اندیشمندان غربی در علوم انسانی و تولید این دانش با رویکرد اسلامی هدایت می‌کند.

تقویت حس کنجکاوی

گرایش به شناخت در آدمی نهفته است. هر قدر او در مسیر این گرایش حرکت کند، توانایی‌های شناختی او بیشتر شکوفا می‌شود. اسلام با توصیه و تشویق‌های فراوان به تعقل و اندیشه و به‌کارگیری این نعمت الهی به شکوفایی توانش‌های شناختی آدمی کمک می‌کند و حس کنجکاوی او را تقویت می‌کند. قرآن کریم به‌وفور مسلمانان را به اندیشه وامی‌دارد. بیش از ۳۰۰ مرتبه واژه‌های مربوط به تعقل و تفکر و مشتقات آن به کار رفته است. برخی آیات به‌طور مستقیم افراد را به تعقل تحریک می‌کنند مانند آیه ۱۲ سوره نحل:

«وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»

«او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شمایند.

در این، نشانه‌هایی است (از عظمت خدا،) برای گروهی که عقل خود را به کار می‌گیرند».

برخی آیات نتیجه عدم تعقل را گرفتاری به عذاب اخروی ذکر کرده است، مانند آیه ۱۰ سوره ملک:

«وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ»

«و می گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!».

آیات متعددی عدم تعقل را مذمت کرده اند، مانند آیه ۴۴ سوره بقره:

«تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»

«آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت

می کنید، اما خودتان را فراموش می نمایید با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می خوانید! آیا

نمی اندیشید؟!».

همچنین، آیه ۲۲ سوره انفال:

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»

«بدترین جنندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند».

ایجاد روحیه علمی و بدون تعصب

رشد عقلی و علمی نیازمند روحیه حق جویی و توجه به محتوای سخن، صرف نظر از

گوینده است. اسلام این روحیه را در محقق تقویت می کند. خداوند می فرماید:

«فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا

الْأَلْبَابِ» (الزمر ۱۸-۱۷)

«بشارت باد به بندگان، کسانی که اقوال را می شنوند و بهترین آن را پیروی می کنند. اینها

هدایت یافتگان الهی و صاحبان خرد هستند».

به اقتضای این آیه شریفه مؤمن از تعصب و ورزی های بی منطق درباره اندیشه ها و افکار

که مانع رشد عقلی، کسب علم و پرورش روحیه علمی است، خود را حفظ می کند. اینکه

پیامبر اکرم (ص) طبق روایتی می فرماید: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ» (طبرسی، ۱۳۸۵: ص

۱۳۵)، گویای عدم تعصب انسان مؤمن در کسب علم است.

تقویت انگیزه کسب علم

اسلام با تقویت انگیزه‌های الهی در فرد و جامعه از یک‌سو، افراد را به تعقل بیشتر و ازسوی دیگر، کسب دانش تدوین و نگارش تحریک می‌کند و این نقش انگیزشی می‌تواند گامی مؤثر در تولید علم به‌ویژه علوم انسانی باشد، زیرا این علوم بیشتر مورد نیاز جامعه اسلامی است. حرکت به‌سوی تحقق اهداف انقلاب اسلامی ایران و تولید تمدن نوین اسلامی در گرو تولید این دانش است. همچنین، نیروی کافی در این زمینه تربیت و آثار لازم تولید نشده است؛ به‌طور کلی، اسلام بر ثبت و نگارش آموخته‌ها و بسترسازی برای تولید علم تأکید دارد. پیامبر اکرم (ص) در باب نگارش و ثبت آموخته‌ها فرمود:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَ تَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِكُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا مَدِينَةٌ أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ص ۳۸)

«اگر مؤمن هنگام مرگش برگه‌ای از علم از خود برجای گذاشته باشد، همین برگ، بین او و آتش جهنم مانع و پوششی می‌شود و خداوند متعال در مقابل هریک حرفی که بر آن ورقه نوشته شده، یک شهر در بهشت به او می‌دهد که هفت برابر دنیا است.»

شکوفایی توانایی‌های عقلی و علمی نیازمند مشوق است. اسلام تعقل را عبادت می‌داند و کسب علم و دانش را ارج می‌نهد^۱ و آن را گامی برای خودشناسی و جهان‌شناسی و هریک را قدمی به‌سوی خداشناسی می‌داند. ازسوی دیگر، کسب علم را برای منافع جامعه اسلامی واجب یا مستحب می‌شمارد و آن را به وظیفه شرعی و دینی تبدیل می‌کند.

۱. عن النبي (ص): ما من مؤمن يقعد ساعة عند العالم، الا ناداه ربه عز و جل: «جلست الي حبيبي! و عزتي و جلالتي، لأسكتك الجنة معه، و لا أبالي»؛ پیامبر (ص): هیچ مؤمنی نیست که یک ساعت نزد عالمی بنشیند و خدای عزوجل به او ندا نکند که: «در کنار دوست من نشست، به عزت و جلال خود سوگند یاد می‌کنم که تو را در بهشت با او بشنامم» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۷، ص ۹۶).

النبي (ص): يا اباذر! الجلوس ساعة عند مذاكرة العلم، احبّ الى الله من قيام الف ليلة، يصلّي في كلّ ليلة الف ركعة. و الجلوس ساعة عند مذاكرة العلم، احبّ الى الله من ألف غزوة، و قراءة القرآن كلّها؛ پیامبر (ص): ای اباذر! نشستن یک ساعت برای مذاکره درباره علم، در نظر من محبوب‌تر است از برپا ایستادن {بیداری} هزار شب که در هر شب آن هزار رکعت نماز گزارده شود. نشستن یک ساعت در مجلس مباحثه علم، در نزد خدا محبوب‌تر است از {شرکت در} هزار غزوه و خواندن تمام قرآن (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱ ص ۲۰۳).

وظیفه‌مداری در رشد علم می‌تواند مبارزه با موانع را تسهیل کند و در شرایط سخت نیز آدمی را به حرکت وادارد و فرد یا جامعه را به فتح قله‌های بلند علمی موفق کند. هر اندازه اهداف بالاتری در پیشرفت علمی مدنظر باشد، نیازمند بردباری بیشتری است. نمونه این‌گونه فایده را می‌توان در گام‌های بلند علمی دانشمندان جوان ایران در کامل کردن چرخه هسته‌ای با حداقل امکانات و ابزارها مشاهده کرد. پس از اینکه محققان ایرانی از کمک‌های خارجی در طی این مسیر مأیوس شدند با پشتوانه معنوی و استمداد از توسلات و عبادات توانستند این راه سخت را سپری کنند. برای مثال تولید اورانیوم غنی شده ۲۰ درصد به دست محققان ایرانی امری باورنکردنی بود؛ اما اشخاصی مانند شهید احمدی‌روشن به امداد الهی و پایداری توانستند در فاصله شش ماه به این هدف عظیم دست یابند.

اگر گفته شود که چگونه دانشمندان غربی بدون تکیه به دین توانستند پیش از ما به این پیشرفت‌ها نائل شوند، در جواب می‌توان گفت: اولاً، آنها با کمک کشورهای مختلف و داشتن امکانات و ابزارهای فراوان این راه را طی کردند؛ ثانیاً، آنها در زمان طولانی‌تری به این نتایج دست یافتند؛ ثالثاً، غربی‌ها هم بخش مهمی از پیشرفت‌های علمی خود را مدیون دانشمندان کشورهای اسلامی می‌دانند. به همین جهت از دانشجویان مستعد این کشورها بسیار استقبال و استفاده می‌کنند. شواهد فراوانی گویای برنامه‌های گسترده آنها برای جذب اذهان مستعد جوانان مسلمان است.

نتیجه تقویت انگیزه کسب علم، تقویت اراده حرکت در این مسیر است. رشد عقلی، علم‌آموزی و پیشرفت‌های برجسته علمی با سستی، تنبلی، خوش‌گذرانی افراطی و شهوت‌پرستی قابل جمع نیست؛ بلکه نیازمند اراده‌ای قوی برای پیشرفت و مقاومت در برابر موانع است. ایمان دینی اراده حرکت در این مسیر را تقویت می‌کند و می‌تواند پشتوانه‌ای قوی برای طی سختی‌های مسیر رشد عقلی و علمی فرد و جامعه باشد. تعقل و تفکر از سخت‌ترین کارها است و هرگز با تنبلی قابل جمع نیست. تفکر صحیح به حل معضلات مهم علمی و اجتماعی و تولید نوآوری و نظریه می‌انجامد؛ اما سختی آن سبب

می‌شود که همه انسان‌ها به‌سادگی در این عرصه موفق نشوند. دین می‌تواند برداشتن گام‌های بلند و سخت عقلی و علمی را آسان کند.

انگیزه الهی از هدایت کاروان دانش علوم انسانی از طرف منابع قدرت و ثروت که در برابر اهداف دینی حرکت می‌کنند جلوگیری خواهد کرد و مانع اصالت یافتن این دو در مسیر دانش خواهد شد. همان‌گونه که انبیا بدون پاداش مادی و با دست‌خالی سخت‌ترین کارها (هدایت و تربیت بشر) را انجام می‌دادند، اندیشمندان اسلامی نیز به‌سادگی تحت تأثیر جاذبه‌های مثبت و منفی غیرالهی قرار نمی‌گیرند. خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید که به مردم بگو:

«إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (سبا: ۴۷)

«مزد من جز بر خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است».

در سوره شعرا از آیه ۱۰۰ تا ۱۸۰ این مطلب از قول شش تن از پیامبران الهی بیان و تکرار شده است.

توجه به هریک از صفات الهی مانند رحمت، قدرت، علم، انگیزه حرکت علمی را تقویت می‌کند و از سستی می‌کاهد. برای مثال ایمان به رحمت الهی، به علما و محققان علوم انسانی روح امید و نشاط می‌دهد تا از ادامه مسیر خسته نشوند و تا تولید نظریات برتر در علوم انسانی از حرکت باز نایستند. توجه به قدرت و نصرت الهی نیز انگیزه آنان را تقویت می‌کند. عالم این عرصه به ندای الهی گوش می‌سپارد که می‌فرماید:

«إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ» (آل عمران: ۱۶۰)

«اگر خدا شما را یاری کند، هیچ قدرتی بر شما غلبه نمی‌کند».

همچنین، انگیزه الهی شجاعت و جرئتی به دانشمندان می‌دهد که به‌رغم تبلیغات سوء بر عدم توانایی دین در تولید علوم انسانی، در این مسیر مقاومت کنند تا به نتیجه برسند زیرا قرآن می‌فرماید:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹)

«سست و اندوهگین نشوید چرا که شما برترید اگر ایمان داشته باشید».

پالایش اهداف و انگیزه تولید علم

۱. رفتارهای اختیاری انسان هدفی را در پی دارد. تعقل و تفکر از یک سو و کسب علم از سوی دیگر، یکی از انواع رفتارهای اختیاری است که اهداف متوسط و غایی را به دنبال دارد. علوم انسانی اعم از اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، هنر، ادبیات و... می‌توانند اهداف متوسطی را دنبال کند که هدف غایی آن فقط لذت و رفاه مادی باشد و لو به بهای فراموشی یا قربانی شدن اهداف اخلاقی، معنوی، متعالی و اخروی. در سایه مشوق‌های دینی، بسیاری از اندیشمندان اهداف برتر تعقل‌ورزی، اندیشه‌طلبی و کسب دانش، خدمت به جامعه اسلامی و درنهایت، فعلیت‌بخشی به استعدادهای متعالی انسان و کسب رضای الهی را مدنظر قرار می‌دهند و از افراط در توجه به مادیات و غرایز حیوانی حفظ می‌شوند. در نتیجه، دین با تأثیراتی که بر عالمان می‌نهد سطح استفاده از علوم انسانی را ارتقا می‌بخشد و در کنار بهره‌های مادی، نتایج متعالی از آن می‌گیرد. افزون آنکه پیروی از هوای نفس سبب می‌شود که انسان از فهم برخی حقایق محروم شود. چنانچه امام صادق ع می‌فرماید:

«حُبُّ الدُّنْيَا يُعْمِي وَ يَبْصُمُ وَ يُبْكِمُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۳۶)

«دنیا دوستی آدمی را کور و کر و لال می‌کند».

برخی از اهل اندیشه، برای کسب شهرت از نظریات باطل، مشکوک یا مظنون حمایت و تبلیغ می‌کنند. تاریخ تفکر بشر نشان می‌دهد که اندیشمندان متعددی برای جذب پیروان و کسب شهرت انسان‌های بی‌شماری را به گمراهی سوق داده‌اند. اندیشه‌ورزی ممکن است خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تأثیر امیال قرار گیرد. از جمله گرایش‌های غریزی و حیوانی بشر میل به آزادی از هر قید و بند اخلاقی و محدودیت رفتاری است. چنانچه قرآن می‌فرماید:

«بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ» (قیامت: ۵)

«بلکه انسان می‌خواهد (آزاد باشد و) مادام‌العمر گناه کند».

آدمی با چنین خصلتی امکان سوءاستفاده از علوم انسانی خود را دارد، چنانچه به

بیان قرآن عالمان فتنه‌جو و محجوب‌العقل به آیات متشابه تمسک می‌کنند و با کاربست ناصواب عقل تلاش می‌کنند تا آنها را براساس اغراض و اهداف خود تفسیر و تأویل کنند.^۱ به همین دلیل نمی‌توان به تحلیل هر اندیشمند علوم انسانی تن داد و از آن تبعیت کرد. عالمان و اندیشمندان به میزانی که دانشی برتر دارند به تقوای افضل نیز نیازمندند. یکی از حکمت‌های عصمت انبیا و ائمه (ع) در پس این نکته پنهان است.

جهت‌دهی الهی به مسیر کاربرد محصولات علمی

علم به‌ویژه علوم انسانی، ابزاری است که می‌تواند در جهت جهان‌بینی، اهداف و امیال و اغراض مختلفی به کار گرفته شود. علم ابزاری است که برای انواع بهره‌وری‌ها قابلیت دارد. صرف داشتن ابزار، تضمین‌کننده کاربرد شایسته آن نیست. علوم انسانی می‌تواند به وجهی نیکو یا ناپسند به کار گرفته شود. در چنین شرایطی، انگیزه کاربرد علم در علوم انسانی از دو جهت نیازمند پالایش و کنترل است. دین‌داری در هر دو جهت به مدد عالمان علوم انسانی و طبیعی می‌شتابد:

۱. کنترل درونی: حاکمیت ارزش‌های اسلامی در فرد سبب می‌شود که ثمره دانش او در مسیر اهداف شوم و تحت‌تأثیر خواهش‌های نفسانی قرار نگیرد.
۲. مقاومت بیرونی: پذیرش باورها و ارزش‌های دینی کمک می‌کند که متفکر علوم انسانی ثمره دانش خود را در خدمت ظالمان و خداستیزان قرار ندهد و در برابر خواست آنها مقاومت کند. امروزه علوم انسانی غربی، یکی از مهم‌ترین ابزارها در دست ابرقدرت‌ها

۱. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَبِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهٖ كُلِّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (آل عمران: ۷): «او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات محکم (صریح و روشن) و اساس این کتاب است؛ (و هرگونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می‌شود) و قسمتی از آن، متشابه است (آیاتی که به‌خاطر بالابودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می‌رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می‌شود). اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال تشابهات‌اند، تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)، و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ درحالی‌که تفسیر آنها را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می‌گویند: ما به همه آن ایمان آوردیم، همه از طرف پروردگار ما است و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند (و این حقیقت را درک نمی‌کنند).

برای حفظ سیطرهٔ ظالمانهٔ آنها تلقی می‌شود. همیشه در طول تاریخ قدرت‌های ظالم و طاغوتی برای رسیدن به منافع خود از برخی اندیشمندان بهره برده‌اند و آنان را برای توجیه اعمال خود به کار گمارده‌اند. تمامی طرح‌های استعماری، سلطه‌جویانه و مزورانه با استفاده از کارشناسان روان‌شناس، جامعه‌شناسی، سیاستمدار و... به نتیجه می‌رسد. قدرت‌های غربی تلاش می‌کنند فرهنگ خود را بر جهان مسلط کنند و ارزش‌های موردنظر خود را در جوامع مختلف درونی ساخته و به ارزش مطلوب تبدیل کنند. اگر امروزه مهم‌ترین راهکار دشمنان اسلام و قدرت‌طلبان جهانی استفاده از شیوهٔ جنگ نرم شناخته شده است، این نشانگر اهمیت علوم انسانی و ضرورت هدایت آن است. چراکه در این شیوه از علوم انسانی بسیار بهره‌برداری می‌شود و حفظ بشریت از سلطهٔ فرهنگ مادی غرب نیز به همین ابزار، محتاج است؛ بنابراین، اگر عالم علوم انسانی هدایت نشود، ممکن است علم او به خدمت دشمنان بشریت درآید. اگر پیشرفت علوم انسانی در کنار تعالیم هدایت‌بخش و انسان‌ساز وحی و ارزش‌های اخلاقی قرار نگیرد، به آثار زیان‌باری منتهی می‌شود. ژولیان هکسلی، دانشمند برجستهٔ غربی در کتاب علم و سنتز می‌گوید:

«دانش در این روزگار، انبوهی بی‌پایان از شناخت‌ها را به ما ارزانی داشته‌است، ولی به ما نگفته که چگونه از آن استفاده کنیم» (فورااستیه، ۱۳۶۳: ص ۶۹).

مختصر آنکه وقتی به برکت دین، هدف انسان از تعقل، تفکر و کسب دانش، فراتر از اهداف مادی شد، مسیر استفاده از محصول تلاش‌های فکری و علمی نیز اصلاح، هدایت و کنترل می‌شود؛ بدین ترتیب، دین می‌تواند تضمین‌کنندهٔ استفادهٔ صحیح از ثمرات اندیشه‌ورزی باشد.

تقویت روحیهٔ جمع‌گرایی و بهره‌وری علمی از جمع

رشد علمی در سایهٔ روحیهٔ جمع‌گرایی و همکاری، بهتر حاصل می‌شود. زیرا هم‌اندیشی به اجتماع اندیشه‌ها و اصلاح و بهبود آرای فردی و تولید نظرات برتر می‌انجامد. یکی از برکات دین‌داری توجه به دیگران، تقویت روحیهٔ جمعی و اجتناب از فردگرایی است. یکی از آثار نماز جماعت، برقراری ارتباط و انس با مؤمنین است. اگر میان اهل تحقیق انس معنوی و اخلاقی حاصل شود، بستر تحقق کار جمعی میان آنها فراهم می‌شود و

به دلیل ایمان دینی، هریک از افراد گروه در صدد سوءاستفاده از کار جمعی به نفع خود برنخواهد آمد. یکی از برکاتی که امیرالمؤمنین (ع) برای حضور در مسجد ذکر فرموده‌اند، بهره‌گیری علمی است. حضرت هشت فایده در این رابطه برشمرده‌اند که یکی از آنها دانش تازه است.^۱ تعبیر حضرت «علم مستطرف» است. با توجه به معانی مختلفی که برای لغت «استطراف» بیان شده (ر.ک.: فرهنگ فارسی معین ذیل واژه استطراف)، علم مستطرف به یکی از وجوه زیر قابل برگرداندن است:

- علمی که برای او تازگی داشته باشد؛
 - علمی که مورد استفاده او بشود و برایش مفید باشد؛
 - علمی که آن را گزینش کند و بپسندد.
- علم در این روایت، به هر کدام از معانی بالا که باشد، کسب دانش از آثار انس با مسجد و تقید به اقامه نماز به جماعت خواهد بود.

جلوگیری از غرور علمی

یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که ممکن است دامن‌گیر علما و دانشمندان شود، غرور علمی است. قرآن کریم قارون را به غرور علمی توصیف می‌کند. وقتی حضرت موسی (ع) قارون را به علت سرکشی‌هایش نصیحت کرد او در جواب گفت:

«إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص: ۷۸)

«من ثروت خود را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!»

یعنی با تکیه به علم و هوش و ذکاوت خودم چنین ثروتی را به دست آورده‌ام، به کسی مربوط نیست که دخالت کند! علم اگر در کنار دین قرار گیرد و با عبادت و تقوی همراه

۱. «مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ الثَّمَانَ؛ أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ، أَوْ عَلِمًا مُسْتَطَرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى هُدًى، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدَى، أَوْ يَتْرَكَ ذَنْبًا خَشِيَةً أَوْ حَيَاءً؛ کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشت‌گانه نصیب او می‌شود: ۱. یا برادری مفید در راه خدا؛ ۲. یا دانشی نو؛ ۳. یا دلیلی محکم؛ ۴. یا جمله‌ای که او را از زشتی بازدارد؛ ۵. یا رحمتی مورد انتظار؛ ۶. یا مواعظی که او را از فساد و گناه باز دارد؛ ۷. یا گناهی را از روی ترس ترک می‌کند و ۸. یا حیا(عاملی، ۱۴۰۹: ج ۳: ص ۴۸۰).

شود از آفات دانش بدون تهذیب نیز در مصون می ماند. چنین دانشی از ضخیم شدن پرده‌های غرور و خودپرستی می کاهد و دانش عقلی و تجربی را با معرفت درونی به خدا پیوند می زند.

جلوگیری از آفات عقل زدگی و علم زدگی

دین داری در رشد معنوی مؤثر است و ارتقای معنوی انسان را از عقل گرایی افراطی و علم زدگی جلوگیری می کند. منظور از افراط در تکیه به عقل، علم و ابزارهای معرفت بشری، مطلق دانستن آنها و غفلت از محدودیت های آنها است. ابزارهای معرفت بشری به رغم توانایی های فراوان؛ اما محدودیت هایی هم در شناخت انسان و جهان و رابطه دنیا و آخرت دارد. بی توجهی به ظرفیت شناختی انسان می تواند به گستاخی وی و حتی انکار نیاز به وحی بینجامد. تقید به دین و پیوند با وحی، انسان را از این خطر باز می دارد.

اثر بخشی به دانش های عقل عملی

یکی از برکات دین داری، فعال سازی دانش های عقل عملی است. عقل عملی توصیه های فراوانی به بشر دارد. تمامی توصیه های اخلاقی در رابطه انسان با خدا، خود و دیگران مورد تأیید عقل است. عقل به ارزش ارتباط با خدا و ضرورت پیروی از او اعتراف دارد. عقل بر رعایت حقوق خانواده، همسر، فرزندان، همسایگان، زمامداران، نیازمندان و دیگران تأکید دارد. به رغم این توصیه ها چون عقل قدرت اجرایی ندارد، بسیاری از آموزه های آن، بی اثر و بدون عمل می ماند. علوم انسانی اسلامی به گسترش دامنه عقل عملی و تدقیق در آن می انجامد؛ از این رو، این علوم در کنار آموزه های توصیفی و تحلیلی خود از رفتار فرد و جامعه، توصیه های عملی ای نیز ارائه می دهند. برای مثال روان شناسی اسلامی در ابعاد مختلفی مانند روان شناسی کمال، شخصیت، رشد، یادگیری و انگیزش و هیجان، بهداشت روان، قواعد رفتاری و توصیه هایی ارائه می دهد که به بهبود ویژگی های شخصیتی، سلامت روان و اجتناب از رفتارها و صفات نابهنجار منجر می شود. دین با

راسخ‌سازی باور و ایمان در آدمی، پشتوانه عملی مناسبی برای پیروی از توصیه‌های کاربردی در علوم انسانی اسلامی به‌شمار می‌رود؛ به عبارت دیگر، دین به عالم علوم انسانی کمک می‌کند که خود نیز از دانش خویش بهره‌گیرد و نمونه عملی موفق در پیروی از آن توصیه‌ها باشد. عبادت و تقوای دینی اراده صاحب‌اندیشه را در عمل به آموزه‌های علوم انسانی اسلامی تقویت می‌کند. دین، فطرت خفته ما را بیدار و وجدان ما هشیار می‌کند تا به توصیه‌های علمی، عقلی و ارزشی علوم انسانی اسلامی توجه کنیم و در پایبندی به آنها بکوشیم.

۲. نقش تمدن‌ساز

علوم انسانی نقشی شگرف و بنیادین در توسعه تمدن در جوامع غربی ایفا کرده است و بلکه مرجع فکری تمدن غرب است و جایگاه برتری در این جهت نسبت به علوم تجربی، فنی مهندسی و پزشکی دارد زیرا علوم انسانی منبع تدوین طرح‌های کلان و حیاتی جامعه است، در حالی که علوم تجربی، فنی مهندسی و پزشکی برای طرح‌های خرد به کار می‌آیند و جایگاه طرح‌های کلان برتر از طرح‌های خرد است. مدیریت و جهت‌دهی طرح‌های خرد با استفاده از طرح‌های کلان انجام می‌گیرد. در غرب علوم انسانی حاکم بر علوم تجربی است اما در کشور ما هنوز علوم انسانی موجود و وارداتی رشد کافی را نداشته تا چنین حکومتی بر علوم تجربی حاصل شده باشد. یکی از ثمرات پیوند دین به علوم انسانی، حرکت دادن جامعه به سمت تمدن اسلامی است. براین تأثیرات معرفتی و گرایشی دین در علوم انسانی، تحقق تمدن اسلامی است. متأسفانه ما از این نکته غافل هستیم که تمدن اسلامی جز در سایه علوم انسانی اسلامی حاصل نمی‌شود و اگر هم چیزی حاصل شود، زودگذر و ناپایدار خواهد بود. تا قبل از انقلاب ما در تدوین و اجرای طرح‌های خرد و کلان مقلد و وابسته به غرب بوده‌ایم. بعد از انقلاب تلاش‌های اولیه در جهت استقلال در بخش طرح‌های خرد (علوم تجربی) آغاز شد غافل از آنکه استقلال واقعی و حرکت در جهت تمدن اسلامی بدون استقلال در طرح‌های کلان (علوم انسانی) ناممکن

است. این در حالی است که دانشگاه‌های ما همچنان جایگاه تدریس علوم انسانی غربی بوده و هست بدون آنکه گام‌های لازم در راستای اسلامی‌سازی آن برداشته شود (ر.ک.: حسین‌نژاد، ۱۳۸۵: ص ۵۰-۴۶؛ حداد عادل، ۱۳۸۹: ص ۳۶-۳۵).

تمدن اسلامی آبادانی دنیوی جامعه در راستای آبادانی و سعادت اخروی است. تمدن اسلامی جلوه‌ خارجی و کارکرد مثبت دین در جامعه و مستلزم پیوند اخلاق و صنعت، تعلیم و تربیت، علم و عمل و به‌طور مختصر، دنیا و آخرت است. این اهداف جز در سایه اسلامی‌سازی همه نهادهای جامعه‌ساز اعم از نهاد خانواده، تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی، رسانه، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و نهادهای حکومتی و روابط بین‌المللی حاصل نمی‌شود. اسلامی‌سازی نهادها در سایه اسلامی‌سازی علوم انسانی و به‌کارگیری آنها در راستای اسلامی‌سازی نهادهای اجتماعی به‌ویژه فرهنگ است. جامعه‌شناسی اسلامی بر مبنای نظام اجتماعی اسلام راهکارهای فرهنگ‌سازی ارزش‌های متعالی را در جامعه متمدن اسلامی به ما نشان می‌دهد. روان‌شناسی اسلامی بر مبنای انسان‌شناسی اسلامی به تحلیل روان‌شناختی ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی انسان مطلوب و کمال‌یافته می‌پردازد و با تبیین روان‌شناسی اخلاق اسلامی، روند شکل‌گیری صفات و ملکات پسندیده و ناپسند را ارائه می‌دهد. تعلیم و تربیت اسلامی و مدیریت اسلامی با بهره‌گیری از ثمرات جامعه‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی اسلامی، راهکارهای گسترش ارزش‌های الهی و حاکم‌سازی سبک زندگی اسلامی را در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی عرضه می‌کند. به‌کارگیری این راهکارها از طرف نهادهای مؤثر در تربیت می‌تواند از یک‌سو، به رشد علم و فناوری و از سوی دیگر، پیوند اخلاق و صنعت منجر شود. توسعه و تثبیت تمدن اسلامی در گرو بهره‌مندی از دانش کافی در این مسیر است و این دانش چیزی جز محصول علوم انسانی اسلامی نیست.

نتیجه‌گیری

دین ارتباط تنگانی با علوم انسانی دارد زیرا دین در مقام سامان‌دادن الهی به روابط سه‌گانه انسان (رابطه با خود، خدا و دیگر مخلوقات) و فعلیت‌بخشی به توانش‌های انسان در مسیر کمال و سعادت براساس این روابط سه‌گانه است. علوم انسانی هم کنش‌های آدمی را که پیوند وثیقی با اراده و آگاهی دارند مطالعه می‌کند. این کنش‌ها در قالب روابط سه‌گانه مذکور انجام می‌شود؛ به عبارت دیگر، علوم انسانی نیز در مسیر سامان‌دادن به انواع روابط آدمی حرکت می‌کند و به توصیف و تحلیل و داوری در باب این کنش‌ها می‌نشیند. این وضعیت نشانگر ارتباط آموزه‌های دینی با آموزه‌های علوم انسانی است. با توجه به این ارتباط می‌توان گفت ورود دین به عرصه علوم انسانی در بعد بینشی توسعه و تضییق موضوعات و مسائل آنها و تولید نظریات جدید را در علوم مختلف انسانی به دنبال دارد. نقش‌گرایی دین غالباً متوجه اندیشمندان است و از طریق آن به تحول در علوم انسانی می‌انجامد. دین با تقویت حس کنجکاوی، ایجاد روحیه علمی و بدون تعصب، تقویت انگیزه کسب علم، پالایش انگیزه تولید علم و بهره‌برداری از آن، و رعایت اولویت‌ها در گزینش رشته علمی، عالمان علوم انسانی را به سمت خاصی هدایت می‌کند. دین از رشد علم‌زدگی در محافل علمی و تکیه بر خرد خودبنیاد و عقل‌گرایی افراطی جلوگیری می‌کند. دین هم راه اعتدال در مسیر کاربست علوم تجربی و بهره‌برداری از عقل و روش عقلی را به جامعه علمی نشان می‌دهد و هم انگیزه درونی برای حرکت در این مسیر دشوار را به مؤمنان عطا می‌کند. بر همین اساس، دین در سایه اسلامی‌سازی علوم انسانی، از یک‌طرف ابزارها و دانش لازم برای حرکت به سمت تمدن اسلامی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، عوامل درونی حرکت به این سمت را در فرد و جامعه تقویت می‌کند. همین امر سبب می‌شود که جامعه اسلامی به‌رغم بهره‌مندی از رشد علم و فناوری، از آفات تمدن غرب مصون بماند و در کنار آبادانی دنیا، از فرهنگ و سبک زندگی اسلامی بهره‌مند باشد و در مسیر آبادانی و سعادت اخروی حرکت کند.

کتابنامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۶. الامالی (للمصدق). تهران. کتابچی.
۲. اعوانی، غلامرضا. زمستان ۱۳۸۸. «در باب تعریف علوم انسانی، کدام علم؟ کدام تعریف؟». آیینۀ اندیشه. قم. معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه. ش ۱۳. ص ۳۱-۳۳.
۳. امام صادق (منسوب به ایشان). ۱۴۰۰ق. مصباح الشریعه. بیروت. اعلمی.
۴. بلاستر، آنتونی آر. ۱۳۷۷. لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط. ترجمۀ عباس مخبر دزفولی. تهران. نشر مرکز. چاپ سوم.
۵. پاینده، ابوالقاسم. بی تا. نهج الفصاحه. تهران. دنیای دانش.
۶. پترسون، مایکل، ویلیام هاسکر، بروس رایسنباخ، دیوید بازینجر، ۱۳۷۶. عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفۀ دین. ترجمۀ ابراهیم سلطانی و احمد نراقی. تهران. طرح نو.
۷. جوادی آملی، عبد الله. ۱۳۷۳. شریعت در آیینۀ معرفت. تهران. مرکز نشر فرهنگی رجا.
۸. چالمرز، آلن ف. ۱۳۷۴. چیستی علم؛ درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی. ترجمۀ سعید زیباکلام. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. حائری، علی اکبر. بی تا. تحقیق الحلقة الأولى. قم. مجمع الفکر الاسلامی. چاپ اول.
۱۰. حدّاد عادل، غلامعلی. بهار ۱۳۸۹. «بدون علوم انسانی اسلامی به تمدن مستقل نمی‌رسیم». پویا. ش ۱۶. ص ۳۳-۳۷.
۱۱. حسین نژاد محمدآبادی، حمید. مهر و آبان ۱۳۸۵. «رابطۀ علم با فرهنگ و تمدن اسلامی از دیدگاه شهید مطهر». اندیشه حوزه. ش ۶۰. ص ۵۶-۳۳.
۱۲. خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین. ۱۳۹۲ق. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات. قم. اسماعیلیان.
۱۳. خورسندی طاسکوه، علی (گردآورنده مقالات). ۱۳۸۸. علوم انسانی و ماهیت تمدن‌سازی آن. فصل «علوم انسانی و تمدن‌سازی دینی». تهران. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۴. دبیرخانه همایش مبانی فلسفی علوم انسانی. ۱۳۸۹. جستارهایی در فلسفۀ علوم انسانی از دیدگاه حضرت علامه محمد تقی مصباح یزدی. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۵. ساجدی، ابوالفضل. پاییز ۱۳۸۴. «هویت‌شناسی دین در اسلام و غرب». مجله اندیشه‌های فلسفی. ش ۳. ص ۵۳-۸۰-۵۳.

۱۶. _____ ۱۳۸۷. دین و دنیای مدرن. قم. مؤسسه امام خمینی.
۱۷. _____ آبان ۱۳۹۰. «اسلامی‌سازی علوم انسانی؛ آسیب شناسی». معرفت. شماره ۱۶۷: ص ۶۱-۷۱.
۱۸. سروش، عبدالکریم. ۱۳۷۳. تفرج صنع. گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی. تهران. سروش.
۱۹. شاله، فلیسین. ۱۳۵۷. شناخت روش علوم یا فلسفه علمی. ترجمه یحیی مهدوی. تهران. دانشگاه تهران.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۴۶. شیعه در اسلام. قم. الغدیر.
۲۱. _____ ۱۴۰۷ ق. المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۷. قم. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۲. طبرسی، علی بن حسن. ۱۳۸۵ ق. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. نجف. المكتبة الحیدریه.
۲۳. عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ ق. وسائل الشیعه. قم. مؤسسه آل‌البت علیهم السلام. چاپ اول.
۲۴. فروند، ژولین. ۱۳۷۲. نظریه‌های مربوط به علوم انسانی. ترجمه علی محمد کاردان. تهران. مرکز نشر دانشگاهی.
۲۵. فرهنگ فارسی معین.
۲۶. فوراستیه، ژان. ۱۳۶۳. بحران دانشگاه. ترجمه علی‌اکبر کسمائی. تهران. شرکت سهامی انتشار.
۲۷. قمی، عباس. ۱۳۸۵. الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه. تحقیق ناصر باقری بیدهندی. بوستان کتاب. قم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم.
۲۸. الكلینی الرازی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ ق. الکافی. تهران. دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. گلستانی، سید هاشم. ۱۳۷۰. فلسفه علوم. اصفهان. نشاط.
۳۰. گلشنی، مهدی. ۱۳۸۵. از علم سکولار تا علم دینی. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۱. مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ ق. بحار الانوار. بیروت. دار احیاء التراث العربی.
۳۲. مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۶۸. آموزش فلسفه. ج ۱. تهران. سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۳. _____ ۱۳۷۰. آموزش عقاید. قم. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۳۴. _____ ۱۳۹۲. رابطه علم و دین. قم. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۳۵. هیوم، رابرت. ۱۳۷۴. ادیان زنده جهان. ترجمه عبد الرحیم گواهی. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



**مجموعه مقالات
دومین کنگره بین المللی
علوم انسانی اسلامی**

کمیسیون تخصصی مدیریت تحول علوم انسانی

اسامی هیئت داوران

۱. سید حسین میرمعزی: دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۲. سید محمد حسین کاظمینی: پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۳. سید محمد تقی موحد ابطحی: عضو گروه فلسفه‌ی علوم انسانی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۴. رمضان علی تبار فیروزجائی: استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۵. سیاوش رودگر: استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۶. قاسم ترخان: استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۷. ابراهیم دادجو: استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۸. علی آقا پیروز: استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۹. سید محمد حسین هاشمیان: استادیار دانشگاه باقرالعلوم (ع)
۱۰. حسین بستان: استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۱۱. علیرضا پیروزمند: استادیار فرهنگستان علوم اسلامی
۱۲. حمیدرضا شاکرین: استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۳. ابوالفضل گایینی: استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه